

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۰۸ مارچ ۲۰۲۱



یونس نگاه

آیا دستور عاجل امریکا به صلح پایدار خواهد انجامید؟

نقش منافع و منابع خارجی در ادامه جنگ افغانستان چنان جدی است که خرد و کلان متوجه اشارات امریکا هستیم. اما، آیا اکنون در جایی هستیم که نشانه‌هایی از تلاش جدی خارجی‌ها به آوردن صلح دایمی در افغانستان دیده شود؟ نامه انتونی بلینکن وزیر خارجه امریکا منبع تازه و مفصل برای یافتن پاسخ به این سوال است. این نامه حاکی از دید بسیار سطحی و میکانیکی نسبت به صلح افغانستان است. از نظر امریکا تنها چهره‌های صاحب نفوذ در جنگ و آنانی که قادر به بسیج جنگجو در قالب اردوی ملی، خیزش مردمی، گروه‌های مسلح قومی و جنگجویان مذهبی می‌باشند، مستحق حضور در تشریفات مصالحه می‌باشند. اما این حضور نیز هدایت شده و نمادین است. وزیر خارجه امریکا هیچ گروه، نیرو و فردی را در افغانستان صاحب واقعی صلح نمی‌داند و با اعلام این که ما طرح مفصلی برای کاهش خشونت‌ها تهیه کرده‌ایم از غنی و عبدالله می‌خواهد که برای اجرای ازین طرح کار کنند. حکومت غنی و طرف جمهوری اسلامی را موظف می‌سازد که در مدت چند هفته روی طرح جمهوری اسلامی برای اصلاح قانون اساسی، تقسیم قدرت و چگونگی حکومت‌داری به توافق برسند و آماده چانه‌زنی با طالبان گردند. پاراگراف دوم نامه بلینکن، تنها جایی که او از غنی تشکر می‌کند، حکایت روشن از تراژیدی جنگ و صلح کشور ماست. او از غنی و تیمش تشکر می‌کند که در بازنگری ستراتیژی امریکا برای افغانستان مشوره داده‌اند. در ستراتیژی که قرار است نقشه راه صلح افغانستان را ترسیم کند، مردم ما غایب و جمهوری اسلامی غنی مشاور است. وزیر خارجه امریکا در ادامه نامه می‌نویسد که هدف از نوشتن نامه به مشاورش آقای غنی، مطلع ساختن او از تازه‌های موضع امریکا و مسیری است که برای آینده نزدیک افغانستان ترسیم شده است. او با تحکم می‌فرماید: مذاکره های صلح باید سرعت گیرد.

نگاه امریکا به نقش کشورهای منطقه و ملل متحد نیز بسیار سطحی و دستوری است. او برای ملل متحد و کشورهای منطقه مثل ارباب مأموریت تعیین کرده است. مأموریت ملل متحد این است که کنفرانس مشترکی بین وزیران خارجه

روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند و ایالات متحده برگزار کند تا رویکرد واحدی بین این طرف‌های اصلی در حمایت از صلح افغانستان به وجود آید. به گفته وزیر خارجه آمریکا، این کشورها در صلح دایمی افغانستان منافع مشترک دارند و بدون همکاری با هم موفق نمی‌شوند. این برداشت سطحی از منافع کشورها در افغانستان نه با واقعیت‌های کشور ما سازگار است و نه از سوی کشورهای ذی‌نفع جدی گرفته خواهد شد. با این حال، آمریکا منابع و نفوذ لازم برای تحمیل برداشت سطحی‌اش را دارد و اگر واقعاً پیگیر این هدف باشد، هم کشورهای منطقه را در کنفرانسی گرد خواهد آورد و هم زورمندان افغانستان را وادار به امضای توافق‌نامه از پیش تعیین شده دیگر همچون موافقت‌نامه بن خواهد کرد. صلح اما این‌گونه و با تعیین ضرب‌الاجل‌های ۹۰ روزه کاهش خشونت، برگزاری کنفرانس فوری، تغییر عاجل قانون اساسی، توافق فوری برسر تقسیم قدرت و کله‌به‌کله شدن غنی، عبدالله، کرزی، دوستم، سیاف، گلبدین و محقق در یک تیم برای مذاکره با طالبان تحقق نخواهد یافت. آنچه در پی چنین توافق احتمالی خواهد آمد، در خوش‌بینانه‌ترین حال سکوت موقت تفنگ‌ها خواهد بود؛ چون بازیگران این صلح جنگسالاران خواهند بود و صاحبان اصلی صلح- کسانی که صلح برای‌شان مسئله مرگ و زندگی، نان و گرسنگی، کار و بیکاری، خانه و آوارگی است- غایب می‌باشند.

شناختی که از جنگسالاران داریم، آنان مذاکرات صلح را به تریبونی برای تدارک جنگ آینده تبدیل می‌کنند. آنان از طریق رسانه‌ها، سازمان‌ها، مبلغان و حامیان خود توجه مردم را به جنبه‌های شکلی منازعات سمت می‌دهند، و ذهن اکثریت مردم درگیر چیزهایی ازین دست می‌شود که آیا در میز مذاکره نمایندگان حزب جمعیت، حزب اسلامی، حزب وحدت، حزب جنبش و دیگر گروه‌های اهل جنگ به نمایندگی از ازبیک، پشتون، تاجیک، هزاره و دیگران حضور دارند یا خیر؟ روشنفکران، قلم به دستان و مردمی که در هجوم تبلیغات جنگی راه‌گمک شده اند نگرانی‌شان توازن حضور جنگسالاران اقوام در میز مذاکره می‌شود و فراموش می‌کنند که آن هم‌زبان یا هم‌قومی که سوابق سیاه حقوق بشری دارد و در قتل‌صدها و گاه هزاران نفر دست داشته است، شایسته نمایندگی از مردم نیست و نباید شیشه صلح را به دست کسانی گذاشت که تنها در سنگ پراندن و کوبیدن مهارت دارند.

تدابیر دیپلماتیک گذرا و سطحی برای حل منازعات دیرینه‌ای که تنور ده‌ها سال جنگ را داغ نگه داشته است، کارساز نخواهد بود. متأسفانه این کمپاین و هیاهو نیز در بهترین حال به تشکیل یک مجمع ناهمگونی به نام دولت اسلامی صلح یا دولت اسلامی برای تقسیم قدرت خواهد انجامید که بیشتر به دیپوی اسلحه و مواد انفجاری شباهت خواهد داشت تا دولتی که امید صلح و خیر از آن داشته باشیم.